

تجبر و تجبر گرایى

در منظومه فکرى امام خمینى (س)

محمد رجائى نژاد

سرشناسه	: رجائی نژاد، محمد، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (س) / محمد رجائی نژاد.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۱ ص.
شابک	: ISBN: 978 - 964 - 212 - 412 - 1
وضعیت فهرست‌وسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۵۹ - ۱۶۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: خمینی، روح‌الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه درباره جزم‌گرایی / جزم‌گرایی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
کتابخانه ازوده	: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
ردیف سی‌کنگره	: ۳ ت ۳ / ۱۵۷۷ DSR
رده‌بندی دیوید	: ۹۵۵ / ۰۸۴۲۰۹۲
شماره کتابت سی‌ملی	: ۳۹۱۱۳۶۱

کد / م ۲۹۲۵



مؤسسه چاپ و نشر عروج

تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (س)

نویسنده: محمد رجائی نژاد

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ اول: ۱۳۹۴ / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷

• حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱

• کلیه نمایندگیهای فروش در استانها

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۵	مقدمه
۱	فصل اول: کلیات
۱	گفتار اول: تعریف و هیئت و حر و تحجرگرایی
۳	گفتار دوم: پیشینه تاریخ تحجرگرایی
۳	۱ - مشرکان
۴	۲ - بانیان سقیفه
۵	۳ - اهل حدیث (اشاعره) یا ظاهریه
۶	۴ - وهابیان
۸	۵ - مارقین (خوارج)
۱۷	۶ - اخباریان
۲۵	۷ - انجمن حجتیه
۳۲	ولایتی ها
۳۵	فصل دوم: ویژگی ها و انواع تحجرگرایی
۳۵	گفتار اول: ویژگی های تحجرگرایی

- ۱ - جمود و خشک مغزی ۳۵
- ۲ - کج فهمی ۳۷
- ۳ - سطحی نگری ۳۷
- ۴ - ضعف مبانی عقیدتی ۳۸
- ۵ - مقدس مآبی ۳۹
- ۶ - تنگ نظری ۴۰
- گفتار دوم: انواع تحجر ۴۲
- ۱ - تحجر علمی ۴۲
- ۲ - تحجر فقهی ۴۴
- ۳ - تحجر دینی و اعتقادی ۴۵
- ۴ - تحجر سیاسی و اجتماعی ۴۶
- گفتار سوم: علل تحجر ۵۲
- ۱ - جهل و نادانی ۵۲
- ۲ - غرور و تکبر ۵۳
- ۳ - جمود و اعتزال سیاسی - اجتماعی ۵۴
- ۴ - سبقت از دین ۵۴
- ۵ - اثرپذیری و شیفتگی خارج از حد متعارف ۵۶
- فصل سوم: پیامدهای تحجرگرایی و راههای مقابله با آن** ۵۷
- گفتار اول: پیامدهای تحجرگرایی ۵۷
- الف - جدایی دین از سیاست ۵۷
- ب - تحریف دین و مذهب ۶۰
- ج - بحران تفکر ۶۳

- د: ارائه چهره‌ای خشن از اسلام..... ۶۴
- هـ - اختلاف و تفرقه..... ۶۶
- و - عدم پیشرفت و نوگرایی و شکوفایی..... ۶۷
- ز - گذشته‌گرایی..... ۶۹
- گفتار دوم: راه‌های مقابله با تحجرگرایی..... ۷۱
- ۱ - آزاد اندیشی..... ۷۲
- ۲ - احیای سنت گفت‌وگو و تضارب افکار و آراء..... ۷۲
- ۳ - ترمیم داشتن تواضع علمی و پرهیز از غرور..... ۷۳
- ۴ - بازنگری مستمر در متون و معارف اسلامی و..... ۷۳
- ۵ - دوری از شصت‌گرایی و تقدس‌سازی..... ۷۴
- ۶ - طرح نیرهای اساس انسانی و جامعه امروز..... ۷۵
- ۷ - اعتقاد به اجتهاد پویا با لحاظ نمودن سه عنصر..... ۷۶
- ۸ - توجه به ارتباط میان علم دینی و علوم بشری..... ۷۶
- ۹ - تشویق روحیه تحقیق و پژوهش و تقویت روحیه انتقادپذیری..... ۷۷
- ۱۰ - تشویق روحیه نوجویی و نوآوری..... ۷۷

فصل چهارم: تحجر و تحجرگرایی از دیدگاه امام خمینی (ره)..... ۷۹

- گفتار اول: مواضع امام خمینی در برابر تحجرگرایی..... ۷۹
- ۱ - مقطع تاریخی ۱۳۲۱ - ۱۳۴۲..... ۷۹
- ۲ - مقطع تاریخی ۱۳۴۲ - ۱۳۵۷..... ۸۱
- ۳ - مقطع تاریخی ۱۳۵۷ - ۱۳۶۳..... ۸۴
- ۴ - مقطع تاریخی ۱۳۶۳ - ۱۳۶۸..... ۸۹
- گفتار دوم: ویژگی‌های تحجرگرایی از دیدگاه امام خمینی..... ۹۶

- ۱ - دوری و اجتناب از ظواهر مدرنیسم..... ۹۶
- ۲ - مقدس‌نمایی و تقدس‌مآبی..... ۹۷
- ۳ - قشری‌گری و سطحی‌نگری (توجه به ظواهر دین)..... ۹۸
- ۴ - نگاه ابزارای به دین (خشونت‌گرا، سختگیر، طرد و...)..... ۹۸
- ۵ - عوام‌زدگی و عوام‌گرایی..... ۹۹
- ۶ - کم‌توجهی به تفکر و تعقل در ابعاد مختلف..... ۱۰۰
- ۷ - روحیه تک‌محوری و قانون‌گریزی..... ۱۰۱
- ۸ - احتیاجی و رفاه‌گرایی..... ۱۰۲
- ۹ - تند‌نظری و وس‌گرایی..... ۱۰۴
- ۱۰ - کج‌اندیشی و کج‌هستی..... ۱۰۴
- ۱۱ - عدم توجه و درک صحیح نسبت به نقش زمان و..... ۱۰۶
- ۱۲ - تقلید کورکورانه و شخصیت‌زدگی و شخصیت‌پرستی..... ۱۰۸
- ۱۳ - دورویی و ریا، گرایش شد به دروغ‌مصلحتی..... ۱۰۹
- ۱۴ - پیچیدگی رفتاری و تغییر روش‌ها..... ۱۱۰
- ۱۵ - انتقادناپذیری و عدم تحمل مخالفان..... ۱۱۱
- ۱۶ - عدم توجه به مشارکت عمومی و رقابت سیاسی..... ۱۱۲
- ۱۷ - تجمل‌گرایی با شعار ساده‌زیستی..... ۱۱۴
- ۱۸ - برداشت‌های غلط و افراطی با کیفیت خاص از..... ۱۱۶
- گفتار سوم: راه‌های مقابله با تحجرگرایی از دیدگاه امام خمینی..... ۱۱۷
- ۱ - توجه به تعقل و تفکر..... ۱۱۹
- ۲ - داشتن آگاهی و عالم به زمان و مکان..... ۱۲۱
- ۳ - شناخت حقیقت اسلام..... ۱۲۲

۴ - داشتن الگو و سرمشق مناسب در زندگی ۱۲۶

۵ - دوری از خرافات و اوهام ۱۲۹

۶ - دوری از زهد فروشی و رهبانیت ۱۳۰

۷ - افشاگری در راستای شناساندن چهره واقعی تحجر ۱۳۲

۸ - دوری از ریا و خدعه و فریب در سیاست داخلی و خارجی ۱۳۲

فصل پنجم: آثار سوء تحجرگرایی ۱۳۵

مقدمه ۱۳۵

الف - خرد سبستگی ۱۳۸

ب - خود ستی و کبر و غرور ۱۴۰

ج - سوء ظن و تجسس ۱۴۷

د - تعمیم تقصیر به مجرم ۱۵۱

ه - تهمت و بهتان و افت ۱۵۱

و - تفسیق و تکفیر ۱۵۲

ز - خشونت و ترور ۱۵۳

ح - ظهور مرجئه نتیجه رفتار خشن و افراطی خارج ۱۵۴

نتیجه ۱۵۶

کتابنامه ۱۵۹

پیشگفتار

اسلام همانند سایر ادیان و به مثابه یک ایدئولوژی از سه رکن تشکیل شده است. باورهای اعتقادی که اصولش توحید (و نفی شرک)، ایمان به انبیا و باور معاد است. آموزه‌های اخلاقی که هدف بعثت انبیا از جمله پیامبر اسلام ﷺ است و آن باور به فضایل اخلاقی و ترک رذایل است. و نیز التزام به دستورات شرعی که از جانب خداوند تشریح شده است و اصطلاحاً شریعت و احکام شرعی نام دارد.

چنان‌که دیده می‌شود اخلاق از دو بخش رذایل (تروک اخلاقی = منهیات) و فضایل تشکیل شده است. و پیروان دین الهی اسلام لازم است برای انتقال از مرحله اسلام به ایمان (از مسلمانی به ایمانی) پس از اصلاح و جهت‌دهی به باورهای اعتقادی خود، خود را متخلق به اوصاف اخلاقی (فضایل) کنند و با التزام به دستورات و احکام شرعی به وادی ایمان وارد شوند. در سوره حجرات خداوند به این نکته تصریح فرموده است: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا

ب □ تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی(س)

يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ^۱.

بنابر این شرط ایمان حقیقی، التزام و تخلق و باور قلبی است و گرنه در وادی مسلمانی مانده و وارد وادی ایمان نخواهیم شد. چنانکه گفته شد، اخلاق هدف بعثت انبیا از جمله نبی مکرم اسلام بوده است. پیامبر گرامی اسلام با صراحت هرچه تمام هدف بعثت خود را بکمالات و تممیکارم اخلاقی معرفی کرده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲؛ «من مبعوث شدم تا مکارم اخلاقی را تکمیل کنم. و نیز گفته شد که اخلاق از دو بخش فضایل و رذایل تشکیل شده است و نمی توان به تخلق به یک بخش خود را متخلق نامید. بلکه در صورتی می توان انسانی اخلاقی بود که هر دو بخش را در کنار هم و به صورت مکمل یکدیگر به عنوان ملکه و صفت نفسانی در وجود خود نهاده باشد.

در آغاز شاید به نظر برسد که تحجر و تحجرگرایی مقوله‌ای سیاسی - اجتماعی است و جنبه اخلاقی ندارد، اما حقیقت مذهب این گونه نیست و با عنایت به تبعات و عوارض ناشی از جمود و تحجر در طرز تاریخ اسلام می توان با توجه به لوازم غیر اخلاقی و بلکه ضد اخلاقی هر چه در فکری متحجران و شواهد تاریخی که از جنایات و فجایع این خشک مغزان خشکه مقدس در دست است، آن را در عداد مباحث مفاهیم

۱. حجرات (۴۹): ۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

اخلاقی (بخوانید ضد اخلاقی) قرار داده و در زمره آن مفاهیم دانست. چنان که می‌دانیم گرچه بحث تحجر و تحجرگرایی در سخنان رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی، بیشتر عنایت به وجه سیاسی - اجتماعی آن دارد و می‌توان آن را در چارچوب اندیشه سیاسی ایشان ارزیابی کرد، اما نباید فراموش کرد که امام خمینی پیش از آن که و حتی بیشتر از آن که شخصیتی سیاسی باشد، فقیهی اخلاقی است که در روابط و مناسبات فردی خود پایبندی عجیب و فوق‌العاده‌ای نسبت به ضوابط و اصول اخلاقی داشته و سیره عملی ایشان در جوانی و ایام تحصیل و تدریس و بلکه در طول حیات پربار و پربرکشان، التزام به آموزه‌های اخلاقی بوده است. لذا می‌توانیم چنین نتیجه بگیریم که وجوه اخلاقی امام نیز در شکل‌گیری سبک شخصیت سیاسی و اجتماعی ایشان نقش داشته و تأثیر شگرفی بر روایت انسان داشته است.

حال سؤال این است که آیا شخصیت بی‌نظیری همانند امام خمینی را که تا این حد نسبت به اخلاقیات پایبندی دارد، نسبت به عوارض و لوازم امور ضد اخلاقی بی‌اعتنا تلقی کردیم؟ در بررسی بحث تحجر و تحجرگرایی، به علل و پیامدهای این پدیده اشاره شده و نیز اشاراتی هرچند اجمالی به نتایج فاجعه‌آمیز چنین رویکردی شده است. مطالعه تاریخ اسلام و بررسی رفتار ضد انسانی و ضد اخلاقی خوارج و نیز رفتارهای عقل‌ستیزانه اخباریان در فاصله قرون دهم تا دوازدهم به روشنی نشان می‌دهد که مقوله تحجر و جمود فکری

د □ تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (س)

نه تنها در چارچوب اندیشه سیاسی و اجتماعی قابل ارزیابی است بلکه جای طرح آن در قالب مباحث و مفاهیم اخلاقی نیز خالی است. از همین رو از آنجا که تحجر و جمود فکری معضلی همراه با تمامی نسل بشر است (چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بدان تصریح فرموده است) و این گونه نیست که مربوط به قطعه‌ای از تاریخ بشر بوده و امروز دیگر رشت ریسته باشد، لذا جای طرح آن در قالب مفاهیم اخلاقی احساس می‌شود البته باید نذعان کرد که چه بسا ظاهر مباحث راجع به تحجر و جمود فکری را با بسوایی به چنین خواسته‌ای رهنمون نشود اما عنایت به نتایج و آثار زیار بار این بنده شوم و خسارت‌بار در طول دوره ظهور خود (از سال ۳۷ ق تا حدود ۱۰۰ ق بعد) ما را به این مطلب می‌رساند.

امید است طرح این بحث در قالب مفاهیم اخلاقی گامی در تنویر افکار روشن‌ضمیران بوده باشد و بتواند قدمی در راستای جلوگیری از بروز آن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در عصر حاضر بردارد.

حجر و تحجرگرایی که مرادف با جمود فکری است قدمتی همزاد با تاریخ ادیان و عقاید بشری دارد. اسلام و جامعه اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است و از بدو تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، اولین خطرها و تهدیدها از جانب قاعدین و متحجرین متوجه اسلام عزیز شد؛ زیرا این نحلّه فکری و فزونی آنان از آنجا که ظاهری متشرع داشتند و تظاهر به دینداری می‌کردند در نگاه نیاز اسلام به تحرک و پویایی با بهانه‌گیری‌ها و سستی‌های سودمندان ضعیف عقاید مؤمنان و سرد شدن شور و احساسات نو مسلمانان در دفاع از اسلام و حریم نبوی می‌شدند تا آنجا که قرآن کریم برای غلبه بر حیه انقلابی بر روحیه جمود و خمود و سستی و رخوت و نیز تحریک و تحریص و ترغیب و تشویق مسلمانان به جهاد و شهادت در آیاتی این حبه را بر قعود و بازنشستن از تلاش و جهاد در راه اسلام برتری داده است: **مَضَلَّ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا**^۱.

جریان نفاق در عصر نبوی رفته‌رفته تبدیل به صاحب‌منصبان ذی نفوذی شدند که از آن زمان تاکنون ادامه دارد. چنان‌که امیرالمؤمنین

و □ تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (س)

امام علی علیه السلام در مواجهه با خوارج و نهروانیان، که همان متحجرین پیشانی پینه‌بسته‌ای بودند که جملگی حافظ قرآن بوده و تظاهر به تدین و تشرع داشتند، فرمودند: من چشم فتنه را کور کردم و جز من کسی را توان و یارای شناخت اینان و مواجهه و مقابله با اینان نبود.^۱ ولی ریشه این جریان فکری خشکانده نشده و باقی است.^۲ (شاید اشاره به این نکته دارد که اندیشه به کما می‌رود ولی نمی‌میرد) و در وصیتی فرمودند: خود را با ایران دستگیر در رو نکنید و آنان را نکشید.^۳

حضرت امام علیه السلام بیشترین ضربه و لطمه را از این جریان فکری متحمل شدند و در نهایت در به دست همین افراد که با قصد قربت شب نوزدهم ماه مبارک رمضان را برای ترور امام علی علیه السلام انتخاب کرده بودند، به شهادت رسید.

جریان واپسگرا پس از امام علی علیه السلام نیز تداوم یافت که نمونه بارز آن را در نصایح به ظاهر دلسوزانه و از سر تکلف بر زمین‌مداری کسانی که حضرت امام حسین علیه السلام را در مسیر حرکت به کربلا از عواقب و پیامدهای این سفر نهی می‌کردند، می‌توان دید.

بررسی تاریخ سیصد ساله معاصر ایران نیز به روشنی این ریشه را به دست می‌دهد که جریان تحجر نه تنها تضعیف نشده که بسیار ریشه‌دارتر و تنومندتر گردیده است.

۱. ر.ک: نهج البلاغه، شهیدی، ص ۸۵، خطبه ۹۳.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۸، خطبه ۶۰.

۳. ر.ک: همان، خطبه ۶۱.

این جریان، با روحیات امام خمینی که از بدو جوانی به اسلام سیاسی اعتقاد داشت اصلاً سازگاری نداشت و از همان ابتدا هرچه امام در حرکت سیاسی خود جدی‌تر و شفاف‌تر شد، با تمام وجود به رقابت و مقابله برخاست. مسأله‌ای که بعدها امام پس از پیروزی انقلاب و در اواخر عمر شریف خود به ویژه در پیام تاریخی منشور روحانیت پرده از آن برداشت و جملاً تاریخی خود را خطاب به این جریان فکری بر قلم راند که:

خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است

مرکز آن، نشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.^۱

ناگفته نماند که جریان تحجر را در دو نگرش می‌توان دید:

۱- نگرشی که برآشفتنی نقاطی از اسلام دارد و منجر به تبدیل اسلام به یک حرکت انحرافی شده. در نهایت دستش به خون دیگران (نظیر شهید مطهری، مفتح، بهشتی، رجایی و... با سر و...) آغشته می‌شود. یعنی گروهی مثل فرقان و منافقین در دهه حسرت انقلاب که اقدام به ترور بسیاری از سران و شخصیت‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی کردند.

۲- نگرشی که برداشتی سلفی و سنتی از اسلام و مذهب دارد و به هیچ وجه تحول و تجدد را بر نمی‌تابد و به لطیف‌ترین سعه در بیرون کردن رقیب خود از صحنه دارد.

در این نوشتار تأکید ما بر نوع دوم است که آفتی مهم برای این مذهب محسوب شده و از ابتدای تاریخ اسلام وجود داشته است و انقلاب اسلامی و حرکت انقلابی امام نیز به آن مبتلا بوده و هنوز هم با

۱. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۷۸.

آن درگیر است. هر چند نتیجه در هر دو نگرش (رادیکالیسم و سلفی‌گری) یکی است، و آن از صحنه به درکردن رقبا است.

در معرفی همین طیف از اندیشه‌ها بود که حضرت امام در کشاکش جریان سنتی و پویا و در اوج وضعیت جنگی کشور و حساسیت انتانات دوره سوم مجلس شورای اسلامی، بحث اسلام ناب و اسلام آمریکایی را مطرح کردند و در معرفی اسلام آمریکایی چند گروه را هم‌ردیف قرار دادند که از جمله آنها می‌توان به اسلام سرمایه‌داری، اسلام سارث، اسلام لیبرال، اسلام متحجرین، اسلام مقدس‌مآب‌های احمق، اسلام ابوسفیان و ... اشاره کرد.

ایشان به نیروهای انقلاب و وفادار به آرمان‌های انقلاب تأکید کرده و این دل‌نگرانی را همیشه از آن انقلاب دانستند و لذا تصریح می‌فرمودند:

نگذارید انقلاب به دست بااهلان و نامحرمان بیفتد.^۱

به هر روی وظیفه همه دلسوزان انقلاب، به ویژه یاران و شاگردان امام خمینی است که اندیشه همیشه جاوید امام را تبیین و اهداف این انقلاب را گوشزد و نیات شوم جریان متحجر را برملا کنند و بادآیر شوند که امام همان‌گونه که با اسلام شاهنشاهی در ستیز بود، با اسلام سگرا و متحجر نیز به همان اندازه بلکه بیشتر در جدال بود و حتی فرموده خود آن حضرت بیش‌ترین ضربه و لطمه را از متحجرین و مقدس‌مآب‌ها خورده است تا سیاسیون فاسد.